

وقتی اسلام کامل شد

رسول اعظم **صلی الله علیه وآله و سلم** هرگاه گروهی را برای مأموریتی به جایی می فرستادند، یکی از آنان را سرپرست گروه می کردند تا دچار تفرقه و سردرگمی نشوند. در جنگ‌هایی که خودشان حضور نداشتند نیز چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی مشخص می کردند تا اگر یکی از آنها آسیب دید، نفر دیگر فرماندهی را به عهده بگیرد.

حالا کمی فکر کنیم!

پیامبر خدا که در کارهای کوچک و گذرا مسلمانان را بدون راهبر و امام رها نمی کرد، آیا ممکن است وقتی که باید برای همیشه آنها را ترک کند، امت بزرگ اسلامی را بدون رهبر رها نماید و هیچ جانشینی برای خود انتخاب نکند؟



مهم‌ترین پیام

صحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر! هیچ‌کس دوست ندارد این افتخار را از دست بدهد، آخرین سفر حجی است که پیامبر خدا در آن حضور دارد.

مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای حج به مکه رسانده‌اند. این دستور پیامبر خدا است که هرکس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند.

پیامبر اکرم نیز خانواده‌اش را به همراه خود به مکه آورده است.

در هنگام انجام مناسک حج، چشم‌ها و گوش‌ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می‌خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تاکنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. معنویتی عجیب در این شهر جاری است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آن‌چه عجیب‌تر از همه است، حالت خود پیامبر است. مثل این‌که نگران چیزی است، یا می‌خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است ...



مناسک^۱ حج تمام می‌شود و مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می‌شوند. چند روزی در بیابان‌های خشک و سوزان راه می‌روند تا به غدیر خُم می‌رسند. جایی که مسیر شهرها از هم جدا می‌شود. دیگر باید کم‌کم از محبوب قلبشان خدا حافظی کنند. مسلمانانی که مسیرشان از پیامبر جدا می‌شود یکی یکی و چندتا چندتا جلو می‌آیند و با چشمانی اشک بار برای همیشه با رسول خدا وداع می‌کنند.

۱- مناسک حج : عبادات و اعمال مربوط به حج.

آنها هنوز از حضرت چندان دور نشده‌اند که جبرئیل امین نازل می‌شود :

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱

ای پیامبر،
آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل
شده است، [به مردم] برسان!
اگر چنین نکنی،
رسالت او را انجام نداده‌ای!
خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم،
نگاه می‌دارد.
آری خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

اما این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟

پیامبر خدا بیست و سه سال تمام، با هر سختی و مشقتی تلاش کرد تا دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند. در راه انجام رسالتش نزدیک‌ترین عزیزان و یارانش را از دست داد، شکنجه‌ها و تنهایی‌ها را تحمل کرد، محاصره شد، گرسنگی کشید و بارها و بارها جهاد کرد و مجروح شد. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟ این همان خبر مهمی است که مدت‌هاست ایشان را نگران کرده است. او نگران بود مبادا عده‌ای از مردم از سر لجاجت، از این دستور خدا سرپیچی کنند و گمراه شوند. اما اکنون که فرشته وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود.

دیگر وقت ابلاغ پیام خدا فرا رسیده است. رسول خدا دستور می‌دهند همه کاروانیان از شترها پیاده شوند! صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگویید همه برگردند! مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند. یعنی چه اتفاقی افتاده است که پیامبر خدا در این وضعیت کاروان را متوقف کرده‌اند؟

همه می‌دانند که مسئله مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟ عده‌ای از حضرت سؤال می‌کنند: ای رسول خدا، چه اتفاقی افتاده است؟ رسول خدا می‌فرماید: بعد از اقامه نماز ظهر صحبت می‌کنم.

۱- سوره مائده، آیه ۶۷.

نزدیک ظهر است و هوا بسیار گرم!

زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهايشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایه شترها پناه برده‌اند.

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستد. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا می‌کنند و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز تمام می‌شود و رسول خدا بدون اینکه با کسی صحبت کند، روی مکان بلندی می‌ایستد. سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته می‌شود... سرانجام انتظاراتها به پایان می‌رسد و رسول اکرم با ستایش خدا سخن را آغاز می‌کند: «... ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد. بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین او مسئولیم. من به وظیفه خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده

است و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیت مهمی دارم.

ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم که تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که بعد از من چگونه با این دو رفتار می‌کنید.»

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب **علیه السلام** را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید:

«ای مردم، تا کنون سرپرستی و رهبری شما به عهده من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبوده‌ام؟ آیا من ولی و راهبر شما نبوده‌ام؟»



همه جواب می دهند: بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولیّ و صاحب اختیار ما بوده‌ای. در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی **علیه السلام** را بالا می آورد و با صدایی بلند و رسا می فرماید: «آگاه باشید، هرکس که من ولیّ و صاحب اختیار او بوده‌ام، هم اکنون این علی سرپرست و ولیّ اوست. خداوندا! هرکس ولایت علی را پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده، خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش.»^۱

در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته اند نیز برسد.

سخنان مهم و مفصل ایشان بیش از یک ساعت به طول می انجامد.

رسول اکرم در پایان سخنانشان می فرماید: «آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟» مردم می گویند: بله ای رسول خدا.

رسول خدا **صلی الله علیه و آله** می فرماید: «پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند.» سخنان ایشان که تمام می شود، مسلمانان گروه گروه پیش می آیند و این افتخار بزرگ را به امیر مؤمنان تبریک می گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیه مسلمانان، ولایت حضرت علی **علیه السلام** را به ایشان تبریک می گویند و او را مولای خود می نامند.

دیگر نشانه‌ای از نگرانی در چهره پیامبر خدا دیده نمی شود. او این پیام مهم الهی را در حضور ده‌ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی **علیه السلام** باقی نماند.

هنوز جمعیت از اطراف علی **علیه السلام** پراکنده نشده اند که فرشته وحی، آیه دیگری را برای پیامبر می آورد:

«...الْیَوْمَ
 یَسْسُ الذِّینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ کَافِرَانِ [نابودی] دین شما مأیوس شدند.
 فَلَا تَخْشَوْهُمْ
 وَ اَخْشَوْنِ
 امروز،
 پس از ایشان مترسید
 و از [مخالفت] با من بترسید!

۱- بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۸ تا ص ۲۵۱.

اليَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ
وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.^۱ و اسلام را به عنوان آيين [جاودان] شما برگزیدم.
امروز، دين شما را كامل كردم
و نعمت خود را بر شما تمام كردم

این واقعه را تمام دانشمندان مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که برای هیچ مسلمانی (چه شیعه و چه سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم وجود نداشته و ندارد.

تنها انتخاب

در ماجرای غدیر انتخاب حضرت علی **علیه السلام** برای جانشینی پیامبر اکرم توسط خود خداوند انجام شد و جبرئیل امین نیز آن را به اطلاع پیامبر خدا رساند.
حالا اگر این انتخاب توسط خداوند بزرگ انجام نمی‌گرفت، و قرار بود پیامبر خودش کسی را برای این کار مهم انتخاب کند، چه کسی شایستگی این جانشینی را داشت؟
بی تردید شایسته‌ترین فرد برای رهبری و هدایت مردم کسی بود که آگاه‌ترین مردم به قرآن و احکام الهی باشد^۲ و تمام احکام الهی را از رسول خدا فرا گرفته باشد و این فرد به جز امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب **علیه السلام** شخص دیگری نبود.
جانشینی حضرت علی **علیه السلام** در روز غدیر موجب ناامیدی کامل مشرکان و منافقان شد. آنها تصور می‌کردند چون پیامبر خدا پسری ندارد، کسی بعد از او کارهایش را ادامه نخواهد داد و با وفاتش دین اسلام نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. اما جانشینی امیرمؤمنان به جای پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** در غدیر خم، تمام آرزوهای پوچ آنان را بر باد داد.

۱- سوره مائده، آیه ۳.

۲- در کتاب‌های دانشمندان شیعه و سنی می‌بینیم که اصحاب پیامبر اکرم همگی اعتراف می‌کردند که داناترین همه آنها حضرت علی **علیه السلام**

کمی به ماجرای غدیر و سخنان رسول خدا در این روز فکر کنید!
 اعمال حج تمام شده است و مسلمانان مشتاقانه در انتظار بازگشت به شهرها و دیدار خانواده‌های خود هستند. برخی از آنها که از مناطق دورتر به مکه آمده‌اند، ماه‌هاست که از خانه و خانواده‌هایشان بی‌خبرند. در چنین شرایطی رسول خدا ناگهان بیش از صد و بیست هزار نفر را در بین راه متوقف می‌کند. آنان که جلو رفته‌اند باید برگردند و آنان که عقب مانده‌اند باید برسند. در بیابانی سوزان ساعت‌ها برایشان سخن می‌گوید و از آنها می‌خواهد همه آنچه شنیده‌اند را برای بقیه مسلمانان بازگو کنند.
 به نظر شما این همه تأکید نشانه چیست؟
 با کمک دبیر محترم، درباره این پرسش در کلاس گفتگو کنید.

خودت را امتحان کن

- ۱- سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درباره حضرت علی علیه السلام در روز غدیر خم توضیح دهید.
- ۲- چرا در روز غدیر خم کافران و منافقان از نابودی اسلام ناامید شدند؟
- ۳- چرا بعد از پیامبر خدا تنها امیرالمؤمنین علیه السلام شایسته رهبری بر مسلمانان بودند؟

بیشتر بدانیم

بزرگترین عید

مردم در کشور ما روز عید غدیر را جشن می‌گیرند و در این روز برای زنده نگه داشتن این واقعه مهم، به دیدار سیدها می‌روند و خداوند مهربان را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس می‌گویند. این روز بزرگ از زمان زندگی اهل بیت علیهم السلام نیز در میان مؤمنین روز عید به شمار رفته است.
 شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مسلمانان به جز عید فطر و عید قربان، عید دیگری هم دارند؟

امام فرمود: بله، عیدی بزرگ‌تر از اینها هم هست.

— : کدام عید؟!

- : همان روزی که پیامبر خدا حضرت علی **علیه السلام** را به ولایت منصوب کرد و فرمود :
«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

هر که من مولای اویم، این علی ولی و رهبر اوست

- این کدام روز است؟

- : روز هجدهم ماه ذی حجه .

- در این روز انجام چه کاری شایسته تر است؟

- : در این روز با روزه گرفتن و عبادت خدا و گفتگو درباره فضیلت های محمد و آل محمد

علیهم السلام خدا را یاد کنید . رسول خدا به امیر مؤمنان سفارش کرد که این روز را عید بگیرد ...^۱

موضوع ولایت حضرت علی **علیه السلام** و واقعه غدیر در میان مسلمانان از چنان

اهمیتی برخوردار است که نویسندگان و اندیشمندان بسیاری را به نوشتن کتاب هایی

درباره این موضوع واداشته است .

کتاب ارزشمند «الغدیر» یکی از مهم ترین این کتاب هاست که توسط علامه امینی

در یازده جلد تألیف شده است . ایشان در بخش اول این کتاب، صدها نفر از رایان شیعه

و سنی را نام می برد که خودشان این حدیث را در غدیر خم از رسول خدا شنیده اند .

وی در بخش های دیگر کتاب خود، از صدها نویسنده و دانشمند شیعه و سنی

در قرن های مختلف نام می برد که یا کتاب های مستقلی درباره این موضوع نوشته اند یا

بخش هایی از کتاب های خود را به این موضوع اختصاص داده اند .

از مهم ترین کتاب های اهل سنت که واقعه غدیر در آنها با عبارات مختلف نقل

شده است می توان به کتاب های زیر اشاره کرد : صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابن

ماجه، مسند احمد بن حنبل، المستدرک حاکم نیشابوری، تفسیر طبری، الجامع الصغیر،

خصایص نسائی، الاستیعاب، تاریخ خطیب بغدادی، کنز العمال، معجم الکبیر، أسد الغابة،

تهذیب التهذیب، الدر المنثور، البداية و النهایة ابن کثیر دمشقی، الاصابه، ینایع الموده،

المعارف ابن قتیبه دینوری و

پیشنها



صحنه غدیر خم را نقاشی کنید و آن را در کلاس نصب کنید .

رهبری در عصر غیبت

در درس‌های پیش دانستیم که پس از رحلت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - وظیفه هدایت و رهبری مردم همواره به عهده امامان معصوم از اهل بیت رسول خداست. اکنون کمی فکر کنیم؛

بیش از هزار سال است که امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** از دسترس مردم دور است و مردم نمی‌توانند ایشان را ملاقات کنند و پرسش‌های خود را با آن حضرت در میان گذارند. آیا می‌توانیم بگوییم که انسان‌ها در تمام این مدت هیچ نیازی به هدایت و رهبری نداشته‌اند؟ پس تکلیف مردم در این زمان که عصر غیبت نامیده می‌شود چیست؟



یکی از اصحاب امام صادق **علیه السلام** از ایشان پرسید :
ای فرزند رسول خدا، دو نفر از دوستان ما بر سر مسئله‌ای با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند. آیا آنها می‌توانند برای حل مشکلمان نزد هر حاکم یا پادشاهی بروند؟
حضرت فرمود : خیر، کسی که به این گونه حاکمان مراجعه کند و با حکم آنان چیزی را به دست آورد، در حقیقت به طاغوت^۱ مراجعه کرده است و خداوند در قرآن کریم مردم را از مراجعه به طاغوت

۱- حاکمان طاغوت : حاکمانی ظالم و ناآگاه که حق حکومت بر مردم را ندارند.

نهی کرده است.

— ای فرزند رسول خدا، پس تکلیف مردم در این گونه مسائل چیست؟

— باید به سراغ کسانی بروند که سخنان ما [اهل بیت] را برایشان بازگو می کنند. کسانی که بر حلال و حرام ما آگاه اند و احکام ما را می شناسند. من این افراد را بر شما حاکم قرار داده ام. بنابراین، مردم نیز باید به حکم آنان راضی گردند. پس هر کس که حکم آنان را — که حکم ماست — قبول نکند، بدون شک حکم خدا را خوار شمرده است و کسی که ما را رد کند، خداوند را رد کرده است.^۱

این حدیث به خوبی نشان می دهد که هدایت و رهبری مردم در عصر غیبت بر عهده عالمان و دانشمندان دینی است. اما این عالمان دینی چه کسانی هستند؟

آیا هر کسی که درباره مسائل دینی اظهار نظر می کند، از شایستگی لازم برای هدایت مردم برخوردار است؟

امام صادق علیه السلام درباره هدایتگران واقعی مردم می فرماید :

مردمی که می بینند عالمانشان آشکارا گناه می کند و در جمع آوری دنیا و اموال حرام حریص اند، ولی باز هم از این گونه عالمان پیروی می کنند، مانند یهودیانی اند که خداوند در قرآن آنان را به خاطر پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می کند. بر مردم واجب است از فقیهان پرهیزکار که از دین خود محافظت می نمایند، بر خلاف هوای نفس خود رفتار می کنند و مطیع دستور خداوند هستند، پیروی کنند.^۲

فعالیت کلاسی

با توجه به حدیث بالا فقیهانی که هدایت مردم را در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عهده دارند، چه ویژگی هایی دارند؟

هریک از ویژگی های چهارگانه عالمان که در سخن امام صادق علیه السلام خواندیم موجب می شود رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می اندازد دوری کنند. برای مثال، به ویژگی اول (پرهیزکاری) توجه کنید؛

۱- کافی، ج ۱، ص ۶۷.

۲- وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

به نظر شما اگر هدایت و رهبری مردم به کسی سپرده شود که پرهیزکار نباشد و هر کاری که دلش بخواهد انجام دهد، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

آیا چنین فردی حاضر است با عدالت بین مردم رفتار کند؟

آیا او احکام خدا را به نفع خود و اطرافیانش تغییر نخواهد داد؟

اسلام شناسان و فقیهان واقعی کسانی اند که در سخنان و راهنمایی هایشان، پیرو سخنان و راهنمایی های معصومین اند و در هر مسئله ای نظر پیامبر اکرم و امامان را برای مردم بازگو می کنند. بنابراین پذیرفتن فتوای فقیهان - که برگرفته از قرآن و احادیث معصومین **علیهم السلام** است - در واقع پذیرفتن سخنان امامان است و مخالفت با فقها، مخالفت با احادیث معصومین **علیهم السلام** است. به همین دلیل فقیهان، نایب و جانشین امام زمان **علیه السلام** به شمار می روند و همان گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت باید از جانشینان امام زمان **علیه السلام** یعنی فقیهان پیروی کنند.

به هدایت مردم جامعه توسط یک فقیه جامع الشرایط ولایت فقیه گفته می شود. ولی فقیه، اسلام شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی، از تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می کند و نمی گذارد دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورات خدا شوند.



بیدارگر قرن

آیا شما کسی را می شناسید که تمام ویژگی های لازم را برای رهبری و هدایت مردم داشته باشد؟

«... هنگامی که از در وارد شد، احساس کردم گردبادی بزرگ از نیروهای معنوی وزیدن گرفت. گویا در ورای آن عبای قهوه ای، عمامه سیاه و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت، آن چنان که همه بینندگان را محو تماشای خود می کرد. ناگهان احساس کردم با حضور او همه ما کوچک شده ایم و گویا در آن مکان اصلاً کسی جز او باقی نمانده است.

آری! او بارقه ای از نور بود که در قلب و روح همه حاضران رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی را که گمان می کردم می توانند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کنند، در هم شکست.

هنگامی که بر روی صندلی اش نشست، احساس کردم نیرویی از وجودش پخش می شود.

نیروی مانند یک گردباد که اگر با دقت نگاه می‌کردی درمی‌یافتی آرامشی عظیم در درون آن نهفته است. در عین حال او را آن چنان آرام و ساکت می‌دیدى که گویی نیروی ثابت در درونش جریان دارد و البته این نیرو همان نیروی است که رژیم سابق ایران را به یک باره برچید.

اما آیا چنین شخصیتی می‌تواند یک فرد عادى باشد؟

من تاکنون هیچ یک از مردان بزرگ را برتر از او و حتى مانند او ندیده‌ام.

کمترین چیزی که می‌توانیم بگویم این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است یا اینکه او

موسای اسلام است که آمده تا قوم خود را نجات دهد.»

آنچه خواندیم بخشی از نوشته‌های «روبین وود زورث» یکی از مشهورترین خبرنگاران

آمریکاست که پس از ملاقات امام خمینی در حسینیه جماران درباره شخصیت امام نوشته است.

کتاب وی یکی از هزاران کتابی است که درباره شخصیت این بیدارگر بزرگ قرن نوشته شده

است. امام خمینی رهبری است که نه تنها ملت ایران بلکه تمام مردم آزاده جهان و حتى دشمنان اسلام

و انقلاب را نیز به تحسین و امید دارد.

مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا که لحظه‌ای از دشمنی با اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران

دست برداشته است در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده امام این‌گونه اعتراف می‌کند:

«آیت‌الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن چنان رعدآسا

بود که مجال هرگونه تفکر و برنامه‌ریزی^۱ را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت.

هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهایی غیر از معیارهای شناخته شده

در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی او از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت‌الله خمینی

با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او حتی در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت.»^۲

امام در قرنی که دین و معنویت کاملاً منزوی شده بود و چیزی نمانده بود که مساجد و کلیساها

به فراموشی سپرده شوند، با انقلاب اسلامی، به یک باره تمام نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها را برهم زد و

یک بار دیگر به مردم سراسر جهان نشان داد که برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت هیچ راهی

جز بازگشت به مسیر نورانی پیامبران وجود ندارد.

او عابدی بود شب‌زنده‌دار و سیاستمداری آگاه بود، مانند عادى‌ترین مردم زندگی می‌کرد در

۱- با نام «زیباترین تجربه من» منتشر شده است.

۲- منظور کسینجر از برنامه‌ریزی نقشه کشیدن برای چپاول و غارت کشورهای ضعیف تر است.

۳- عصر امام خمینی، ص ۳۷.

تمام سال‌های رهبری‌اش در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی کرد. هرگز به کسی ظلم نکرد و در برابر هیچ ستمگری سکوت نکرد. او که دشمنان اسلام از شنیدن نامش به وحشت می‌افتادند، اگر صدای گریه کودکی را می‌شنید بسیار ناراحت می‌شد.

برای عمل به اسلام از هیچ‌کس نمی‌ترسید. همان‌گونه که محکم و استوار می‌گفت، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، وقتی نام امام حسین علیه‌السلام و یارانش را می‌شنید، اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد. به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌داد در جمع آنان حاضر می‌شد و برایشان صحبت می‌کرد. در برابر مردم محروم می‌گفت: به من خدمتگزار بگویید بهتر است از اینکه مرا امام خود بنامید.

اینها بخشی از ویژگی‌های امام خمینی بود که باعث شد در زمان غیبت امام زمان **علیه‌السلام**، وظیفه هدایت و رهبری مردم به عهده او گذاشته شود. پس از رحلت این مرد بزرگ الهی، مسئولیت مهم و سنگین رهبری جامعه اسلامی به عهده یکی از نزدیک‌ترین یاران ایشان یعنی آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. دوران‌دیشی، شجاعت، پرهیزکاری، و وفاداری ایشان به امام و انقلاب اسلامی سبب شد مجلس خبرگان وی را شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعه اسلامی معرفی کنند.

خود را امتحان کن

- ۱- با توجه به حدیث امام صادق **علیه‌السلام** ویژگی‌های راهنمایان مردم را در عصر غیبت بیان کنید.
- ۲- توضیح دهید چرا مردم باید از ولی فقیه پیروی کنند؟
- ۳- سه ویژگی از ویژگی‌های امام خمینی (ره) را بیان کنید.
- ۴- پس از رحلت امام خمینی چگونه رهبری جامعه به عهده مقام معظم رهبری قرار داده شد؟

پیشنهاد

شما می‌توانید با کمک افراد آگاه و یا مراجعه به کتاب‌هایی که درباره زندگی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند، خاطرات یا داستان‌هایی از زندگی این مردان بزرگ را یادداشت کنید و آنها را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.



فصل پنجم: اخلاق



دین اسلام دین کاملی است که نه تنها سعادت انسان را در روز قیامت تضمین می‌کند، بلکه به خوشبختی او در همین دنیا نیز توجه ویژه‌ای دارد و برای زیباتر شدن زندگی انسان در دنیا راهنمایی‌های ارزشمندی دارد. در سال‌های پیش با برخی از این راهنمایی‌های اخلاقی آشنا شدیم همانند راستگویی، خوش‌قولی، انتخاب دوستان خوب، علم‌جویی و پرهیز از عجله، شتابزدگی و سرگرمی‌های افراطی. فصل حاضر به موارد دیگری اشاره می‌کند که رعایت آن‌ها نیز باعث زیباتر شدن زندگی انسان می‌شود.

درس دوازدهم (دعا و نیایش) تأثیر دعا و نیایش در رفع مشکلات زندگی را به ما می‌آموزد. در این درس موانع استجاب دعا نیز بحث می‌شود. درس سیزدهم (بازتاب عمل) چند عملی را که آثار آنها در زندگی دنیایی ما پدیدار می‌شود و مسیر زندگی ما را تغییر می‌دهد را معرفی کند.

درس چهاردهم (سربازان شیطان) دو ویژگی اخلاقی ناپسند (حسادت و ناامیدی) را بیان می‌کند که اگر در کسی وجود داشته باشد، خوشبختی او هم در دنیا و هم در آخرت به خطر می‌افتد. این درس به راه‌های غلبه بر این سربازان نفوذی شیطان می‌پردازد.

درس پانزدهم (دوستی) معیارهای صحیح دوستی و علاقمندی به دیگران را بیان می‌کند و در ادامه به بیان برخی از آثار سوء نگاه‌های حرام می‌پردازد.



دعا و نیایش

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام

می‌نویسد:

... [پسرم] بدان، کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست، فرصت دعا کردن را به تو داده، و جواب دادن به دعای تو را نیز به عهده گرفته است. تو را فرمان داده که از او بخواهی تا ببخشد و رحمت طلب کنی تا عطا کند. هرگاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود، و چون با او راز دل گویی راز تو را می‌داند، پس حاجت خود را با او بگو و اندوه خود را در پیشگاه او بگشای، تا غم‌هایت را برطرف کند و در مشکلات تو را یاری رساند. از گنجینه‌های رحمتش چیزهایی بخواه که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند؛ افزونی عمر، تندرستی بدن و گشایش روزی. [پسرم] خداوندی که به تو اجازه دعا کردن داده است، [درحقیقت] کلید گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده است، پس هرگاه خواستی می‌توانی با دعا، درهای نعمتش را بگشایی، و رحمتش را بر خود نازل کنی!

به نظر شما چرا دعا کردن این قدر مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته است؟



چراغ همیشه فروزان

تصور کنید در حال مسافرت با هواپیما هستید. ناگهان هواپیما تکان‌های شدیدی می‌خورد و همه چیز به هم می‌ریزد. کنترل هواپیما به دلیل نقص فنی از دست خلبان خارج می‌شود. در این لحظه که از هیچ‌کس کاری ساخته نیست چه می‌کنید؟

کاملاً طبیعی است که انسان در خطرها و مشکلات بزرگ، خدا را بخواند و از او یاری بخواهد، اما برخی به اشتباه تصور می‌کنند دعا کردن تنها مخصوص همین زمان‌هاست. براساس تعالیم قرآن ما همیشه و در همه حال به خدا و یاری او نیازمندیم و بدون اجازه و خواست او نمی‌توانیم حتی کوچک‌ترین کارها را نیز انجام دهیم. به همین دلیل، پیشوایان دین دعاهایی را به ما آموخته‌اند تا بتوانیم به این وسیله همواره با خدا ارتباط داشته باشیم و از یاری او بهره‌مند شویم.

دعاهای روزهای هفته، هنگام خواب، وقت مطالعه، هنگام وضو، هنگام برخاستن از خواب، سوار شدن به وسیله نقلیه و... نمونه‌هایی از هزاران دعاهایی هستند که ارتباط انسان را در همه حال با خدای خود برقرار می‌سازند.

دعا کردن آن قدر اهمیت دارد که خداوند از بندگانش می‌خواهد دعا کنند و خواسته‌های خود را از او بخواهند:

«وَ قَالَ رَبُّكُمْ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ...»

پروردگارتان گفت: مرا بخوانید (دعا کنید) تا [دعای شما را] بپذیرم.

این آیه نورانی به خوبی نشان می‌دهد که دعا کردن باعث جلب توجه ویژه خداوند می‌شود و کسانی که از دعا روی می‌گردانند، در حقیقت خود را از لطف خاص پروردگار محروم می‌کنند.

به محتوای نمازهای پنجگانه دقت کنید و دعاهایی را که در هر شبانه روز در نماز از خداوند می‌خواهید، بیان کنید.
توجه داشته باشیم که صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و خاندان پاکش بهترین دعاهاست.

ثمرات دعا و نیایش

دانستیم که ما با دعا کردن مورد توجه خدا قرار می‌گیریم و علاوه بر بهره‌مندی از پاداش در روز قیامت، در همین دنیا نیز شایستگی دریافت نعمت‌های بیشتر خدا را به دست می‌آوریم.
امام صادق علیه السلام درباره این اثر مهم نیایش می‌فرماید:

همانا نزد خداوند بلند مرتبه جایگاهی است که جز با درخواست و دعا نمی‌توان به آن رسید. اگر بنده دهانش را ببندد و درخواست نکند، چیزی به دست نخواهد آورد، پس بخواه تا به تو عطا شود و این را بدان که هر دری که پیوسته کوبیده شود، بالاخره به روی انسان باز خواهد شد.^۱

فایده دیگر دعا کردن، آرامش روحی است. احساس اضطراب و ناامیدی وقتی به سراغ انسان می‌آید که خود را در برابر سختی‌ها تنها ببیند و کسی را نیابد تا مشکلاتش را با او در میان بگذارد و از او یاری بطلبد.^۲

۱- کافی، ج ۲، ص، ۴۶۷.

۲- الکسیس کارل، پزشک و روانشناس مشهور در کتاب «نیایش» می‌نویسد: «فقدان نیایش در میان یک ملت، مساوی با سقوط آن ملت است و اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است معمولاً از فساد و نابودی در امان نخواهد بود. البته برای بهره‌مندی از آثار عمیق نیایش، این کار باید پیوسته و با توجه انجام گیرد، نه این که انسان صبح را با نیایش شروع کند، ولی بقیه روز را مانند حیوانات وحشی به سر برد.»

آداب دعا

آداب دعا نکته‌هایی هستند که رعایت آنها باعث می‌شود دعای انسان مورد توجه بیشتر خداوند قرار گیرد و زودتر مستجاب شود.

برای آشنایی بیشتر با این آداب، احادیث زیر را که از پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام به ما رسیده با دقت بخوانید :

— هرگاه درخواستی از خداوند سبحان داشتی، دعایت را با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آغاز کن؛ زیرا خداوند، کریم تر از آن است که کسی از او دو درخواست کند و او یکی را بپذیرد، و دیگری را نپذیرد.^۱

— در چهار وقت فرصت را برای دعا کردن غنیمت شمارید؛ هنگام قرائت قرآن، وقت اذان، هنگام باریدن باران و هنگام روبه‌رو شدن سپاه ایمان و لشکر کفر.^۲

— هرگاه امام باقر علیه السلام حاجتی داشت، ابتدا چیزی صدقه می‌داد و سپس خود را معطر می‌ساخت و به مسجد می‌رفت و آنگاه در هنگام اذان ظهر به دعا می‌پرداخت.^۳

— نزدیک‌ترین دعاها به اجابت، دعای کسی است که در دعا‌های پنهانی‌اش ابتدا برای دیگران دعا می‌کند. هرگاه کسی این چنین دعا کند، از عرش الهی ندا می‌رسد: هزاران برابر آنچه برای او خواستی، برای خود توست.^۴

فعالیت کلاسی

با توجه به احادیثی که خواندیم، فهرستی از آداب دعا تهیه کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بیان کنید.

می‌توانید بهترین فهرست را در کلاس نصب کنید.

ممکن است این پرسش برای شما هم به وجود آمده باشد که چرا گاهی اوقات با اینکه ما آداب دعا را رعایت می‌کنیم، اما باز هم دعایمان مستجاب نمی‌شود؟

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۷۷.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱.

۴- کافی، ج ۴، ص ۴۶۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۷۸.

متن زیر که بخش دیگری از نامه امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام به فرزند گرامی شان امام حسن مجتبی علیه السلام است، به پاسخ این پرسش اشاره می کند:

... [پسرم] هرگز از تأخیر اجابت دعا نا امید مباش؛ زیرا بخشش الهی به اندازه تبت است. چه بسا در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل تر شود. گاهی چیزی را خواسته ای، ولی آن را به تو نداده اند و [در عوض] بهتر از آن را در این جهان یا آن جهان به تو داده اند، و گاهی دعایت به اجابت نرسیده است؛ زیرا چیزی طلب کرده ای که اگر داده شود، مایه تباهی دین تو خواهد بود. پس چیزی بخواه که نیکی و زیبایی اش برایت ماندگار باشد و رنج و سختی اش از تو برکنار!

بیشتر بدانیم

ما در این درس با برخی از آداب دعا آشنا شدیم. اما علاوه بر آنچه تاکنون خواندیم، عوامل دیگری هم هستند که می توانند دعاهای ما را بیش از پیش مورد توجه خداوند مهربان قرار دهند.

به حدیث زیر توجه کنید:

رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** می فرماید:^۱

روز جمعه سرور روزهای دیگر است. نیکی ها در این روز دوچندان می شود و گناهان محو می شوند. دعاها در روز جمعه مستجاب، گرفتاری ها برطرف و حاجات انسان ها برآورده می شود. جمعه روزی است که خداوند بیش از هر روز دیگری، گرفتاران آتش را آزاد و از عذاب می رهاند. هرکس حق این روز را بشناسد و خداوند را در این روز بخواند، بدون شک خداوند بلند مرتبه او را از آتش نجات می دهد و اگر در آن روز یا شب بمیرد، شهید خواهد بود و در روز قیامت در امان خداوند برانگیخته خواهد شد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- تہذیب الأحکام، ج ۳، ص ۳.

- ۱- چرا نباید فقط در سختی‌ها و مشکلات زندگی به دعا و نیایش با خداوند پرداخت؟
- ۲- دعا کردن چه فایده‌هایی دارد؟ به دو مورد اشاره کنید.
- ۳- چهار مورد از آداب دعا را بیان کنید.
- ۴- بنا بر فرمایش حضرت علی **علیه السلام** چرا برخی از دعاها فوری برآورده نمی‌شوند؟

پیشنهاد

در کتاب مفاتیح الجنان برای هریک از روزهای هفته دعایی از امامان معصوم آورده شده است. شما می‌توانید با مراجعه به این کتاب، ترجمه یکی از این دعاها را یادداشت کنید و آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً
وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.^۱

پروردگارا، به ما در دنیا (نیکی) عطا کن
و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما
و ما را از عذاب آتش ننگه دار.

... رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا
وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ.^۲

پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز،
و گام‌های ما را استوار دار،
و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا
وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.»^۳

پروردگارا، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را،
(از راه حق) منحرف مگردان
و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛
زیرا تو بخشنده‌ای.

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ
وَمِنْ ذُرِّيَّتِي
رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ.

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.»^۱

پروردگارا، مرا برپا دارنده نماز قرار ده

و از فرزندانم [نیز چنین فرما]،

پروردگارا، دعای مرا بپذیر و مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان
را، بیامزد

در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز.

... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا
بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
آمَنُوا

رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.^۲

پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند
بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار
نده. پروردگارا، تو مهربان و رحیمی.